

# ارتباطات برای توسعه و تغییر اجتماعی

ویراستار: جان سرواس  
ناشر: انتشارات Sage  
سال انتشار: ۲۰۰۸



❖ ترجمه: حسین حسینی  
دانشجوی دکتری ارتباطات

کتاب **ارتباطات برای توسعه و تغییر اجتماعی** حاصل دیدگاه‌های نظری و تجارب عملی برخی از پژوهشگران و نیز سازمان‌های دست‌اندر کار توسعه جهان سوم؛ به ویژه یونسکو برای توسعه و بهبود شرایط اجتماعی کشورهای توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته است. این کتاب شامل پنج بخش و هفده مقاله است که از سوی نویسندگان متفاوت به رشته تحریر درآمده است. عناوین بخش‌های پنج‌گانه این کتاب عبارتند از:

بخش اول - مقدمه؛

بخش دوم - مبانی نظری ارتباطات توسعه؛

بخش سوم - سیاست‌گذاری‌های توسعه، استراتژی‌ها و نمونه‌ها؛

بخش چهارم - نمونه‌های خاص: مبارزات علیه H.I.V (ایدز)؛

بخش پنجم - پیچیدگی بیشتر: رسانه‌های جماعتی و رفع بحران.

راجرز می‌گوید که ارتباطات توسعه شامل مطالعه تغییرات اجتماعی است که در اثر کاربرد فناوری‌ها و نظریه‌های ارتباطی پدید می‌آید... توسعه یک فرایند مشارکتی برای تغییر اجتماعی در یک جامعه است که هدف آن ایجاد پیشرفت مادی و اجتماعی است و شامل برابری و آزادی بیشتر و دیگر کیفیت‌های ارزشمند برای اکثریت افراد است که از این طریق، آنها می‌توانند کنترل بیشتری بر محیط زیستشان اعمال کنند. سرواس با ذکر این نقل قول و چند گفته دیگر از افراد صاحب‌نظر در این حوزه این پرسش را مطرح می‌کند که ارتباطات برای توسعه و تغییر اجتماعی چیست؟ به گفته وی گرچه دانشوران و کارورزان از واژگان متفاوتی برای تعریف این موضوع استفاده می‌کنند، اما مقصود آنها به طور عمده یکسان است. نکته حائز اهمیت آن است که برنامه‌های توسعه بدون گفت‌وگوی ارتباطی مداوم فرهنگی و اجتماعی در میان توسعه‌گران و دریافت‌کنندگان برنامه‌های توسعه‌ای، نمی‌تواند باعث

جوامع محلی و دموکراتیزه کردن و مشارکت در تمامی سطوح بین‌المللی، ملی، محلی و فردی تأکید می‌کند. این رویکرد بر استراتژی‌ای تأکید می‌کند که نه تنها دربرگیرنده، بلکه تا میزان زیادی نشئت‌گرفته از دریافت‌کنندگان سنتی است.

به منظور سهیم‌شدن در آگاهی، دانش، اعتماد، تعهد و نگرش صحیح به پروژه‌های توسعه‌بخش، مشارکت در هر مرحله از فرایند تصمیم‌سازی دارای اهمیتی اساسی است. این رویکرد ما را به نگرشی تازه برای غلبه بر افکار کلیشه‌ای و ارتقای درک بیشتری از تنوع و تکثر، همراه با احترام کامل برای شأن و کیفیت افرادی که در شرایط مختلف زندگی می‌کنند و به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، فرا می‌خواند.

بنابراین رویکردهای تازه و جدید معتقدند که نقطه عزیمت برای حرکت به سوی تغییر و توسعه باید خود جماعت باشد. در سطح جماعت است که مشکلات زندگی مورد بحث قرار می‌گیرد و تعاملات با دیگر جماعت‌ها برانگیخته می‌شود. پیشرفته‌ترین نوع مشارکت، مدیریت فردی است. این اصل به معنای حق مشارکت در برنامه‌ریزی و تولید محتوای رسانه‌ای است.

در این تغییر جهت تازه، تلاش نمی‌شود تا برای افراد مورد نظر نیازهای اطلاعاتی خلق شود، بلکه آن دسته از اطلاعات منتشر می‌شوند که مورد نیاز باشند. در اینجا بر مبادله اطلاعات - و نه اقلان - تأکید می‌شود که در مدل اشاعه دنبال می‌گردد.

در ادامه این کتاب، نوع‌شناسی‌ها و یافته‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، با جزئیات بیشتر مورد بحث قرار می‌گیرند. سوچاتا سوسال رویکردی گفتگومانی را برای مشخص کردن دو استراتژی مختلف قدرت درباره ارتباط و توسعه در پیش می‌گیرد: یکی رویکرد برون‌نگری و دیگری قدرت نامرئی‌مانند.

روی کال هفت رشته یا منشأ را که باعث پیچیدگی حوزه ارتباطات توسعه شده، ردیابی کرده است. وی مقاله خود را با ارج نهادن به کار پیش‌تاز ارسکاین چیلدرز درباره ارتباطات حامی توسعه و همکاری‌اش در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز می‌کند و در ادامه رویکردهای توسعه و اشاعه، ارتباطات مشارکتی، ارتباطات جمعیتی و بهداشتی، بسیج اجتماعی، نهادسازی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را مورد توجه قرار می‌دهد. کال نتیجه می‌گیرد که این رشته‌ها مفهومی از تکامل به درون بافت ارتباطات توسعه را در خود حمل می‌کنند. او هشتم ویژگی را شناسایی می‌کند که همراه با هم به تعریف اینکه ارتباطات برای توسعه باید در آینده درباره چه موضوعی باشد، کمک می‌کنند: تمرکز روی بهره‌مندان، ملاحظه سهامداران گوناگون، مشارکت، تأکید روی برایندها، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مدل‌های نظام‌مند، استراتژی و قابلیت تغییر چندکاناله.

ایجاد تغییر اجتماعی شود. بنابراین، اساساً همه دست‌اندرکاران امر توسعه بر این مفهوم توافق دارند که ارتباطات توسعه شامل دانش مشترکی است که هدف آن رسیدن به اجماع برای انجام کنش‌هایی است که منافع، نیازها و ظرفیت‌های همه را مدنظر قرار می‌دهد.

با مشخص شدن نقاط ضعف برخی رویکردهای اولیه در ارتباطات توسعه، در دهه‌های اخیر رویکرد دیگری به کار گرفته شد که بر توجه به بافت و نیازهای اساسی و نیز توانمندسازی بخش‌هایی از جامعه که بیش از همه سرکوب شده بودند، تأکید می‌کند. نکته اساسی در این رویکرد آن است که تغییر باید ساختاری باشد و در سطوح گوناگون روی دهد تا به اهداف ازپیش‌تعیین‌شده دست یابد. به همین دلیل، در ابتدای این کتاب مقالاتی گنجانده شده‌اند که هر یک از دیدگاهی چندبعدی، مسئله ارتباطات توسعه برای تغییر اجتماعی را با جزئیات بیشتری مورد بحث قرار می‌دهند.

پردایپ تامس در اولین مقاله این کتاب با عنوان «ارتباطات و تداوم فقر: نیاز به بازگشت به مبانی»، به ما یادآوری می‌کند که در حدود ۱/۳ میلیارد نفر از جمعیت جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند؛ یعنی آنها قادر به تأمین نیازهای اولیه خود نیستند. در حدود یک سوم جمعیت کشورهای درحال توسعه در این دسته قرار می‌گیرند و حتی در ایالات متحده و اتحادیه اروپا، ۱۵٪ جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند. تامس معتقد است که مشکل فقر در سرتاسر جهان را می‌توان از طریق ارتباطات مشارکتی حل کرد. استفاده از سازوکارهای آموزشی ارتباطات مشارکتی می‌تواند باعث تغییر اجتماعی و توسعه از طریق بهبود مؤثر در کشاورزی، بهداشت، آموزش و سیاست و اقتصاد شود. این امر در درازمدت کاهش قابل ملاحظه تعداد فقرا - هم به شکل مادی و هم به شکل غیرمادی - را به دنبال خواهد داشت.

گرچه موضوعات دائماً تکرار شونده حقوق بشر، فرهنگ و توسعه باید در کتابی همانند این، مورد بحث قرار گیرند، جان سرواس و کریس فرشتون مقاله خود را با بحث درباره تقابل‌های سنت در برابر مدرنیته، عام‌گرایی در برابر نسبی‌گرایی، فردگرایی در برابر جمع‌گرایی آغاز می‌کنند. آنها به نتایجی مشابه آن چیزی که کمیسون جهانی فرهنگ و توسعه از آن دفاع می‌کند، می‌رسند.

همان‌طور که گفته شد، مدل‌های قدیمی‌تر توسعه به دلیل اینکه در عمل باعث توسعه کشورهای هدف نشدند، مورد انتقاد واقع شده‌اند. از جمله نظریه‌هایی همانند اشاعه نوآوری‌ها، جریان دو مرحله‌ای و... که تقریباً از این نظر با نظریه نوسازی مشابه هستند و جهت‌گیری نخبه‌گرایانه و از بالا به پایین بودن آنها مشخص است. اما در مقابل، مدل مشارکتی، مفاهیم را در چارچوبی چندگانه به کار می‌برد. این مدل بر اهمیت هویت فرهنگی

جان سرواس و پاچانی مالیکائو به همان نحو و از طریق ارائه مهم‌ترین مباحث و یافته‌های اولین دسته از تحقیقات صورت گرفته، چشم‌اندازهای اصلی درباره ارتباطات توسعه را هم در سطوح کلی توسعه و هم در سطوح ارتباطی خاص‌تر معرفی کرده‌اند.

رابرت هوسکار توجه خود را بر مفهوم ارتباطات مشارکتی معطوف کرده است. او معتقد است که با وجود کاربرد گسترده این مفهوم، ارتباطات مشارکتی هنوز در معرض تفسیرهای ساده‌انگارانه قرار دارد. بنابراین، وی از طریق ردیابی تاریخچه رویکردهای ارتباطات مشارکتی درباره توسعه از منظر آمریکای لاتین، به دنبال ارائه انواع جهت‌های گوناگون برای پژوهش و عمل در آینده است.

همان‌طور که در بخش سوم این کتاب آمده است، در سطح کاربردی‌تر، چندین رویکرد مختلف برای توسعه و تغییر اجتماعی را می‌توان شناسایی کرد.

اولین رویکرد، ارتباطات را به منزله یک فرایند می‌بیند که اغلب به طور استعاری به منزله بافت جامعه در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد را نمی‌توان به رسانه‌ها یا پیام‌ها معطوف کرد، بلکه شامل تعامل در شبکه‌ای از روابط اجتماعی نیز می‌شود.

رویکرد دوم شامل رسانه‌های ارتباطی به منزله نظام مخلوط از رسانه‌های ارتباط جمعی و مجراهای بین فردی، همراه با تأثیر و تقویت دوسویه است. به بیان دیگر، رسانه‌های جمعی را نباید جدا از مجراهای دیگر در نظر گرفت. برای نمونه می‌توان نقش و مزایای رادیو را در مقایسه با اینترنت برای توسعه و دموکراسی مدنظر قرار داد. هم رادیو و هم اینترنت از طریق وجه تعاملی‌شان مورد توجه هستند. اما گرچه بسیاری معتقدند که دسترسی بهتر به اطلاعات، آموزش و آگاهی، بهترین عامل برانگیزنده توسعه است، ولی عمده‌ترین پتانسیل توسعه‌ای اینترنت، شامل نقطه دسترسی به زیرساخت دانش جهانی است. همان‌طور که امروزه دیگر کاملاً روشن شده است، مسئله اساسی این است که دسترسی به دانش به نحوی فزاینده نیازمند یک زیرساخت مخابراتی است که کشورهای فقیر به آن دسترسی ندارند. بنابراین گرچه مزایایی که اینترنت به وجود آورده بسیار زیاد است، اما وابستگی آن به زیرساخت‌های ارتباطی باعث می‌شود که تنها عده خیلی از افراد بدان دسترسی داشته باشند. رادیو رسانه‌ای فراگیرتر و در دسترس‌تر است که با سهولت بیشتری می‌توان بدان دسترسی داشت. با ترکیب این دو رسانه می‌توان راهی ایده‌آل برای کسب اطمینان از این موضوع باشد که مزایایی که اینترنت به وجود آورده است، تعداد بیشتری از افراد را در بر می‌گیرد.

همچنان که بیماری ایدز و ویروس H.I.V به نحوی فزاینده به عنوان یکی از چالش‌های عمده برای ارتباطات توسعه و دست‌اندرکاران تغییر

اجتماعی شناخته می‌شود، بخش چهارم این کتاب سه فصل مختلف را معرفی می‌کند که همراه با هم مسائل کلیدی این حوزه را، هم از منظر نظری و هم از نگاه کاربردی، به طور خلاصه بیان می‌کنند. ریکولای سه تغییر مسیر عمده در تفکر راجع به ارتباطات مقتضی ایدز را مرور قرار می‌کند:

۱. تغییر جهت از مبارزه رسانه‌های جمعی علیه این بیماری به سوی واکنش‌هایی که از نظر متناسب‌تر به نظر می‌رسند و نیز استفاده از رسانه‌های جماعتی محلی؛

۲. تغییر جهت از تلقی بیماری ایدز به منزله یک مشکل بهداشتی به قلمدادکردن آن به عنوان یک مشکل توسعه‌ای؛

۳. تغییر نگرش از تمرکز روی تغییر رفتاری به تغییر اجتماعی.

آخرین موضوعی که در این کتاب مورد توجه قرار گرفت، شامل جایگاه و نقش رسانه‌های جماعتی و نیز نقش رسانه‌های جمعی در برطرف کردن اختلافات قومی و سیاسی است. کارپنتیر، لای و سرواس در اولین مقاله این بخش بحث می‌کنند که چندگانگی مفهوم رسانه‌های جماعتی رویکردهای متفاوتی را نسبت به تعریف رسانه‌های جماعتی ضروری می‌سازد. رسانه‌های جماعتی در مناطق مختلف با عنوان‌های رادیو مردمی، رادیو آموزشی، رادیو معدن‌چیان یا رادیو دهقانان شناخته شده‌اند و در جاهای دیگر رادیو محلی یا روستایی نامیده می‌شوند. در اروپا هم این نوع رسانه اغلب رادیو انجمنی، رادیو آزاد و ... نامیده شده است. آنها ضمن این بحث مفهومی درباره رسانه‌های جماعتی، کوشش می‌کنند تا توان بالقوه رسانه‌ها را در موقعیت‌های مرتبط با درگیری‌های قومی و سیاسی مورد تحقیق قرار دهند و بر سه پروژه گوناگون آموزش، عرضه سخت‌افزارهای رسانه‌ای و تولید برنامه‌هایی که صلح‌محور هستند، تکیه کنند.

با دانستن این نکته اساسی که دو عامل عمده شکست یا موفقیت برنامه‌های توسعه‌بخش، ارتباطات و میزان مشارکت مردم است، اغلب نویسندگان این مجموعه معتقدند که مشارکت واقعی به طور مستقیم قدرت و میزان توزیع آن را در جامعه مورد توجه قرار می‌دهد. مشارکت مستلزم سهیم‌شدن منصفانه‌تر در قدرت سیاسی و اقتصادی است که اغلب مزیت‌هایی را که در اختیار برخی گروه‌هاست، کاهش می‌دهد. تغییر ساختاری مستلزم توزیع قدرت است. در حوزه رسانه‌های جمعی، بسیاری از متخصصان ارتباطات اعتقاد دارند که تغییر ساختاری باید پیش از هر چیز به منظور استقرار سیاست‌گذاری‌های ارتباطات مشارکتی اتفاق بیفتد.

نویسندگان در پایان اظهار امیدواری می‌کنند که این کتاب بتواند چشم‌اندازها و نمونه‌های جالب‌توجهی را برای تأیید این سخن ارائه کند تا نشان دهد زمینه ارتباطات برای توسعه و تغییر اجتماعی هنوز جذاب و زنده است.